

وضعیتی است که سازوکارهای کنش سازنده با رویکرد اجتماعی در جهت مشروعیت زدایی رژیمی شکل می‌گیرد که هیچ‌گونه پیشینه تاریخی ندارد و موقعیت خود را از طریق سرکوب و سیاست قدرت بازتولید می‌کند. موضوع دیگری که باید به آن اشاره کرد، راهبرد ایران در محیط منطقه‌ای است. ایران از راهبرد بازدارندگی بهره می‌گیرد. واقعیت آن است که بازدارندگی به لحاظ مفهومی و کارکردی ماهیت تهاجمی ندارد، بلکه نشانه‌هایی از کنش تدافعی مبتنی بر قدرت را منعکس می‌کند. تمامی هدف ایران از تولید قدرت، آن است که بازدارندگی موجود در وضعیت خدشه‌پذیری قرار نگیرد. هرگونه کاهش قدرت ایران، چالش‌هایی را در ثبات و امنیت منطقه‌ای به وجود می‌آورد. روند تحول در روابط ایران و اسرائیل عمدتاً تحت تأثیر موازنه قدرت منطقه‌ای انجام گرفته است. منش ملی، روحیه ملی و کیفیت حکومت در ایران و اسرائیل به‌گونه‌ای است که هریک از این مؤلفه‌ها می‌توانند بر الگوهای رفتار سیاسی و سیاست خارجی تأثیر بگذارند. جمهوری اسلامی ایران از رهیافت مقاومت بهره گرفته و چنین رهیافتی را به عنوان زیربنای تغییر در موازنه قدرت قرار داده است. موفقیت حزب الله و حماس در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ نشانه‌هایی از نقش‌یابی ایران در فرایند تغییر موازنه قدرت است.

مقام‌های اسرائیلی در بیان وضعیت موجود گفته‌اند که به ثبات و امنیت بیشتری نایل شده‌اند، اما واقعیت آن است که تضاد جهان اسلام و اسرائیل تا دوام خواهد داشت. واقعیت تأثیرگذار در روند موازنه قدرت ناشی از آن است که ساخت‌های سیاسی، نظامی و امنیتی ایران و اسرائیل در سال‌های ۱۹۷۹-۲۰۱۸ به‌طور تدریجی رادیکالیزه شده است. اسرائیل در این فرایند انگیزه بیشتری برای انجام اقدامات پرشدت علیه جبهه مقاومت پیدا کرده است، همان‌طور که تهدیدات امنیتی علیه اسرائیل نیز به‌طور تدریجی افزایش پیدا کرده و نشانه‌هایی از چالش را اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

واقعیت موازنه قدرت منطقه‌ای را می‌توان در سیاست جهانی نیز مشاهده کرد. در حال حاضر، بخشی از تهدیدهای آمریکا، به‌ویژه بایدن، علیه ایران را باید ناشی از سیاست منطقه‌ای اسرائیل به منظور مقابله و محدودسازی قدرت ایران دانست. چنین فرایندی بخشی از موازنه قدرت پویا را منعکس می‌کند؛ به همین دلیل است که اسرائیل در برخی ادوار تاریخی از سازوکارهای جنگ پیش‌گیرانه و پیش‌دستانه استفاده می‌کند. مورگنتا به این موضوع اشاره کرده است که جنگ پیش‌گیرانه هرچند در زمان دیپلماتیک و نزد افکار عمومی منفور است، درحقیقت پیامد طبیعی موازنه قدرت خواهد بود.

تهاجمی شدن الگوی کنش امنیتی اسرائیل، آثار خود را در سیاست‌های منطقه‌ای و فرایندهای کنش متقابل به‌جا می‌گذارد. تاکنون اسرائیل کوشیده تا قدرت و موقعیت خود را از طریق الگوی نظامی و کنش امنیتی ارتقا دهد. تاکنون سرویس اطلاعاتی اسرائیل قابلیت تهاجمی فراگیری داشته و توانسته است موقعیت خود را در مقابله و روبرویی با تهدیدها ارتقا دهد. رویکرد تهاجمی اسرائیل به مبانی ایدئولوژیک و تجربه جنگ‌های منطقه‌ای معطوف بوده است.

نظر شما درباره زیرساخت اجتماعی و ذهنیت عمومی خودمان از مقابله با اسرائیل چیست؟ ساختار سیاسی و رسانه‌های مادر پیشگاه افکار عمومی از مقابله با اسرائیل چه روایتی باید ارائه دهد؟ از روایت‌های امروز چه آسیب‌شناسی‌ای دارید؟ چه روایتی باید عمومی شود که جامعه هم پایه پای اراده رسمی، بار این تقابل و بازدارندگی را به دوش بکشد.

قدرت منطقه‌ای ایران براساس نشانه‌هایی از هویت‌گرایی و موازنه شکل گرفته است. جمهوری اسلامی توانسته است نشانه‌هایی از موازنه نامتقارن را در برابر سیاست تهاجمی اسرائیل به وجود آورد. انگاره سیاسی ایران مبتنی بر نشانه‌هایی از مقاومت و عدم مصالحه است. واکنش رادیکال به دیگری بیگانه، آثار و پیامدهایی را در روابط ایران، جهان عرب و اسرائیل به‌جا گذاشته است، همچنان که در سال‌های دهه دوم قرن ۲۱ نشانه‌هایی از تغییر در موازنه